

بود لکن برای نسل های آینده و همه ی سبک های مختلف بعدی صفات الهی پیام می بایست در شکل حروفی ممتد و کشیده جلوه گر شود .

با وجود این ، اینکه بگوئیم صفات مختلف الهی بواسطه ی چه دستخط هایی تجلی یافتند ، کاری توانفرساست . مضافاً " اینکه موضوع مورد بررسی کتاب حاضر نیز مطالعه ی خود هنر مقدس است و به تاریخ تحولات آن نمی پردازد . در این بررسی ما همواره بر آن بوده ایم تا با توجه به فضای نسبتاً " محدودی که در برخورد با موضوع داریم ، تا سرحد امکان جانب عدالت و بی طرفی را فرو نگذاریم . چنین هدفی ناگزیر ما را بر آن داشته تا تنها بر پی آمدهای نهایی امر تکیه کنیم و از تامل بر نمونه هایی که در شناسایی کلی روند پر ارزش ، لکن فی نفسه نماینده ی سبک کاملی از هنر مقدس نیست خود داری ورزیم . در عین حال ادعائی نداریم که بتوانیم همه ی اجزای سبک های متکامل را در اینجا ارائه دهیم چه موضوع مورد مطالعه ما بیشتر هنر قرآنی خود کتاب (مقدس) است و بهیچ روی گستره ی سترگ حکاکی روی سنگ و چوب را شامل نمی شود .

نخستین جلوه های کمال در خطاطی اسلام را باید در دستخط هایی جستجو - گر بود که احتمالاً " در نیمه ی آخر قرن دوم بعد از هجرت به اوج تکامل خود رسید و در ۸۱۵ میلادی افول کرد . این دستخط ها آشکارا پی آمد نیازی منطقی در روحانی تر شدن شکل کتابت بود و این اهتمام در خور منزلتی بیش از یک کوشش ساده است

این شکل از خطاطی که سرانجام بر دیگر اشکال کتابت چیره شد نامش را از کوفه ، یکی از اولین مراکز علمی اسلامی ، گرفته است . اگر قرار باشد میان نویسندگی و ترسیم تمایزی قائل شویم ، باید گفت خط کوفی اصلی بیشتر به رسم نزدیک است تا به دیگر دستخط های عربی ، این خط را به سبب حرکات مشخص افقی اش که اغلب خیلی کشیده است و به آن حرکت می دهد نمی توان خطی ساکن محسوب کرد . لکن در این حرکت انبوه خطوط هیرو گلیف که بعضی ساده اند و برخی از بیش از یک عنصر ترکیب شده اند کم و بیش می توان صفاتی ثابت را شاهد بود که از استلزامی گریزناپذیر حکایت دارد ، گویی این حروف بر آنند که فریبندگی تقریر الهی را بیان کنند ، تقریری که پیام خود در آن ریشه دارد . یا می خواهند اعلام دارند که پیامی را که در بردارند قطعی و تغییرناپذیر است .

هنر خوشنویسی و تذهیب در قرآن

نوشته ی : " مارتین لینگز "
 برگردان : حسن معتمدی شاد

قسمت دوم

خط کوفی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ باین سوال که : هنر مقدس چیست ؟ با توجه به هنر خوش نویسی در قرآن می تواند به گونه ی زیر باشد :

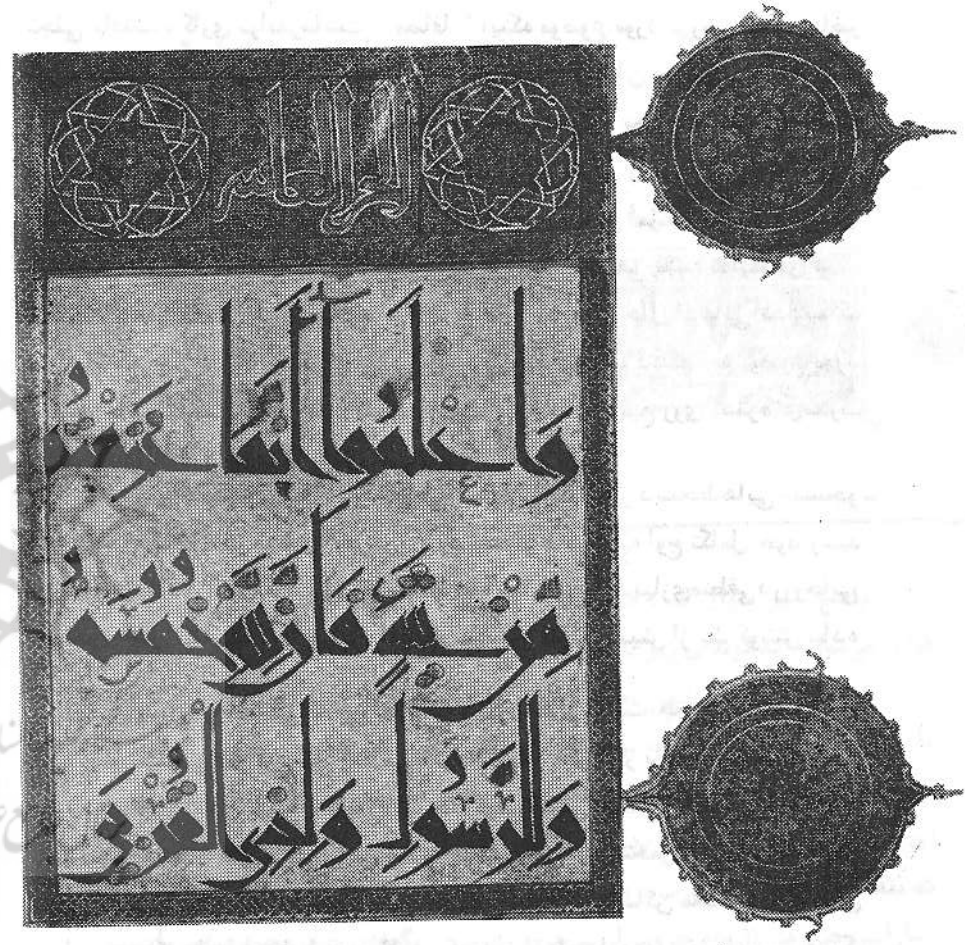
در آغاز ماموریت الهی محمد (ص) ، اعضای دیر با و ر طایفه اش از او خواستند تا اگر پیامبری راستین است برایشان در شکل کتابی که بتوانند بخوانند پیامی از بهشت بیاورد ، و بدین گونه به نکوهش پرداختند . البته این شک و تردید بهانه - ای بیش نبود و ارزش پاسخ نداشت . لکن اگر منازعه کنندگان صادقانه بر آن بودند که متقاعد گردند و اگر قدرت پروردگاری بر آن بود که منازعه را پذیرفته پاسخ گوید ، عبارات وحی به شکل چه حروفی از - حروف عربی (بگونه ی خود بخودی) می بایست متبلور گردد ؟

می توان گفت که هر سبک مهم خطاطی در قرآن خود قسمتی از پاسخ باین سوال و حتی بیشتر پاسخ قدرت پروردگاری به منازعه است چه همانطور که دیدیم بشر از ابتدا هنرمند هنر مقدس نبوده است . به عبارت دیگر منازعه پذیرفته شده

در عین حال عاملی مرموز در این سبک مستقر است که به نظر می‌رسد بیش از آنچه بیان می‌دارد، مطلب در سینه دارد، گویی از افشاء کردن اسرار بیمناک است عامل پر رمزی که دلالت بر پیامی دارد که هنوز هم تماما "آشکار نشده و تاحدودی به نمونه‌ی نازل نشده و نگفتنی خود که بر " لوح محفوظ " (سورمى طارق، آیه‌ی ۲۱ و ۲۲) در بهشت ثبت شده، مربوط است. املای پرتانی کلمات در این سبک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بعضی از حروف به طرز چشمگیری از هم جدا نوشته شده‌اند، گویی به خواننده هشدار میدهند که محتوایشان بیش از آن خطیر است - که به سادگی و سبکی خوانده شود. " اگر فرو فرستاده بودیم این قرآن را بر کوه، هرآینه دیده بودی آنرا فروتن شکاف خورده از ترس خدا (۱) (سوره حشر آیه ۲۱)

بدین ترتیب هنر خوش‌نویسی ابتدا در شکل دستخط کوفی پی‌ریخته شد لکن تحولات بعدی اش در مسیر سادگی و سهولت (بیشتر) قرار گرفت. با وصف این از آنجا که این خط مانند دیگر جنبه‌های هنر مقدس از صفات غیر قابل‌تغییری برخوردار است که در قلمرو کتابت مختص خود اوست، امروزه نیز برای مقاصد معین به‌کار می‌رود، نباید از خاطر دور داشت که یکی از مقاصد بزرگ خطاطی قرآن بگونه - ای پایه‌گذاری شاعر دینی از لحاظ بصری است. در واقع چشم‌دوختن مشتاقانه به نوشته‌های قرآن به نیت حصول برکتی از آن، یا باین منظور که پرتو مقدس " آیات خداوندی " بتوانند از دریچه‌ی دیدگان بر روح اثر گذارند، تجربه‌ای گسترده در اسلام است. در این میان مسائلی چون. این امر در قرآن تا چه حد روشن است و یادراین عمل نگرنده از چه دانشی برخوردار است نسبت به اعتبار و کفایت این جنبه از شاعر دینی بی‌ربط است.

قرن سوم اسلام که عمده " با قرن نهم مسیحی تلاقی می‌یابد بر دو تحول قابل توجه در زمینه‌ی خط کوفی شاهد است. این دو تحول که به قدر کفایت از نسخه‌ی اصلی متفاوت بودند که عنوانی دیگر را ضامن شوند، یکی در شرق و دیگری در افریقای شمالی رخ داد. لکن اعراب بین این دستخطها از لحاظ لفظی تمایزی قائل نمی‌شوند، جز اینکه گاهگاهی از این شقوق تحت عنوانهای: الکوفی الفارسی

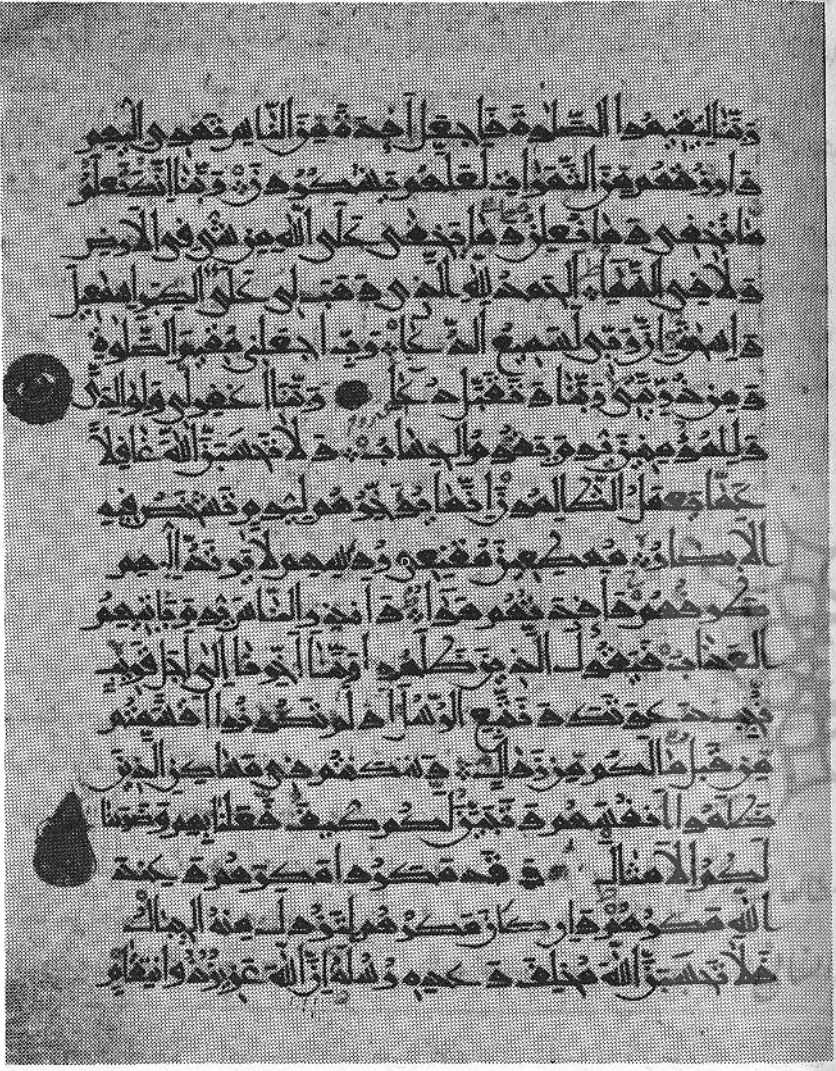


(- لو انزلنا هذا القرآن على جبل الرايته خشعا " متصدعا " من خشية اله ...)

(کوفی فارسی) ، الكوفي البغدادي (کوفی بغدادی) و یا الكوفي المغربي (کوفی غربی) یاد می کنند . آنچه مسلم است این دو سبک در عین اینکه سبک تر بوده و حرکت بیشتری دارند اساساً نسبت به دستخط اصلی تزئینی ترند . سبکی که محققان غربی به سبب فراوانی خطوط " افقی " و " عمودی " در آن گاهی آنرا " خط کوفی چارگوش " (۱) یا " راست گوشه ای " (۲) خوانده اند . در مقابل دستخط غربی نه تنها با حذف خطوط کشیده ی افقی و ضخیم متمایز می شود - به جز در مورد یک یا دو حرف - بلکه ویژه گی بخش آن تزاید مشخص حروف مورب و راست گوشه ای شکل است . بهمین سبب است که گاهی این دستخط را " کوفی خسیده " (۳) نیز می خوانند ؛ این شاخه از تنوع قابل ملاحظه ای در زمینه ی شکل برخوردار است بدین معنی که : در برخی از کلمات - هر چند نه به شدت خط کوفی راست گوشه ای حروف بهم نچسبیده و از هم فاصله دارند حال آنکه در اشکال دیگر بعضی از کلمات فشرده تر و تعدادی نیز ساکن و یا پیوسته اند . با این وجود باید توجه داشت که همه این شاخه ها جنبه های مختلف سبکی واحدند .

در اینجا بی مناسبت نیست بر نکته ای تامل کنیم که بهر تقدیر دیر یا زود می بایست فهمیده شود . مضافاً اینکه شرح این نکته در این موقعیت مارا یاری می دهد تا دستخط های مختلف را در رابطه ی با هم مورد بررسی قرار دهیم . در اسلام صفات الهی در دو مقوله ی اصلی یعنی عظمت و زیبایی جای می گیرد . و همین دوگانگی است که در خلال تمامی درجات عالم منعکس می گردد . بیشتر اینکه عظمت و زیبایی خود ممکن است در دو جنبه گرد هم آید ، مثلاً " قدرت به عنوان یک جنبه ی عظمت احتمال دارد هولناک یا کریمانه باشد ، و زیبایی ممکن است بطور بزرگ - منشا نه ای محفوظ باشد و یا سخاوتمندانه آشکار . به این دو جنبه همچنین دو مرحله وابسته است که همه ی مخلوقات موضوع آن هستند ، این دو مرحله یکی " قبض " و دیگری " بسط " است ، یکی از نامهای عظمت " القابض " و یکی از نامهای زیبایی " الباسط " است . عظمت و زیبایی همچنین دارای دو رابطه ی " عمودی و " افقی "

- 1- Square kufic
- 2- Rectangular kufic
- 3- Bent kufic



هستند بدین معنی که عالم بالا در رابطه با عالم سفلی که آن را آشکار می‌کند با "عظمت" است. نخستین الگوی این پیوند جفت "خالق و مخلوق" است. حدیث (۱) من گنجینه‌ای پنهان بودم آرزو کردم که شناخته شوم پس عالم را حدیث بخشیدم "

همین رابطه ی بین "قبض و بسط" (۲) یا "محفوظ و آشکار" را بیان می‌دارد در همین جا می‌توان به طور تلویحی به قیاس بین خلقت و وحی نیز توجه کرد چه قرآن خود اشاره ای دارد مبنی بر اینکه الگوی بهشتی اش کتابی پنهان است که چیزی جز همان "لوح محفوظ" نیست. آن "گنجینه‌ی پنهان" که اینک خلق گشته است در رابطه با قرآن چنانکه در زمین بر بشر نازل شد، آشکارا ارایه گر عظمت و قبض یا محفوظیت است. حال اگر خطاطی قرآن به طور کلی قلمروی از زیبایی و بسط را بر پا دارد دستخط کوفی در بطن این قلمرو در عین ارائه‌ی جنبه ی عظمت و قبض به محفوظیت کتاب پنهان بهشتی نزدیک تر است، در این میان دیگر دستخط ها "باسط" بوده و در این قلمروی کوچک "عظمت خط کوفی" ارائه‌گر زیبایی اند. لذا چنانکه هنگام صحبت از این مطالب به نظر می‌رسد این امر چندان هم دلخواه نیست، بویژه در مورد سبک تزئینی شرقی که نسبت به عظمت سایر دستخط ها از ظرافت بیشتری برخوردار است و در واقع به زیبایی با عظمت و لذا به بهشتی ترین زیبایی ها توجه دارد.

از حدود اوایل قرن هفتم تا قرن سیزدهم هنوز هم در ایران قرآن را به این سبک می‌نوشتند و در اینجا نیز همچو دیگر نقاط شرق خوش نویسان برای نفیس‌تر شدن تذهیب عنوان فصل های کتابشان به این دستخط متوسل می‌شدند. در همین

۱ - حدیث واژه ای است که در مورد گفته های پیامبر به کار می‌رود. لکن این حدیث ویژه بدان سبب که در آن ذات پروردگاری در اول شخص مفرد سخن میگوید " حدیث مقدس " خوانده می‌شود.

۲ - در اینجا قبض از نقطه نظر خلقت مطرح می‌گردد چه در این معنا دیگر لزومی ندارد که بگوئیم. خالق نسبت به ذات خداوندیش موضوع مراحل یاد شده نیست.

دستخط هاست که در اواخر قرون وسطی می‌توانیم نمونه ای از تذهیب نفیس آغاز کتاب را به همراه آیاتی مناسب بیابیم .

در خاتمه اگر بعضی از سبک های خط کوفی شرقی تقریباً " روان است بهیچ روی نباید آنرا مرحله ای انتقالی محسوب کرد بلکه این حالت تنها اشاره ای در مسیر رسیدن به خط نسخ و سایر دستخط های ساده و وابسته ای است که هم اکنون وجود دارند. لکن با توجه به شاخه ی خط کوفی غربی می‌توان بیان داشت که این خط سرچشمه ی بلا فصل همه ی سبک های خوش نویسی در اندلس و آفریقای شمال غربی بوده است .

ادامه دارد